

تغییر قبله

در کدام مسجد، کدام ماه، و کدام نماز؟

سیدحسین فاطمی (موحد)*

چکیده

مدینه جایگاه بسیاری از وقایع مهم تاریخی، به ویژه در صدر اسلام، بوده است. از جمله این وقایع، تغییر قبله از بیت المقدس به سوی کعبه است. در اهمیت آن همین بس که چند آیه از قرآن کریم به آن ماجرا اختصاص دارد. پیامبر ﷺ و به پیروی از او، مسلمانان تا سال دوم هجرت به سوی بیت المقدس نماز می گزاردند؛ اما حضرت در این سال مشغول نماز جماعت در مسجد بود که دستور الهی برای تغییر قبله به سوی کعبه فرود آمد. مرور منابع کهن در مورد این واقعه، اختلافات از جهات گوناگون را نشان می دهد. چه بسا این اختلاف متون، زمینه ساز انکار تمام آن واقعه از سوی برخی باشد و تنها به بیانات قرآن بسنده کنند. بنابراین به منظور رفع اختلاف ها لازم است این موارد با دقت بررسی شود. این مقاله می کوشد ابهام ها را از سه جهت برطرف سازد: مکان تغییر قبله، ماه تغییر قبله و نمازی که در میان آن، دستور تغییر نازل شد. کلیدواژه ها: مسجد قبلتین، تغییر قبله، زمان تغییر قبله، مکان تغییر قبله.

ماجرای تغییر قبله از مهم‌ترین اتفاقات پس از هجرت است که قرآن کریم در سوره بقره، آیه‌های ۱۴۲ تا ۱۵۰ و ۱۷۷ به آن پرداخته است. جزئیات آن را باید در متون تاریخی و حدیثی پی گرفت. مراجعه به متون، اختلاف در مورد آن را از جهات مختلف نشان می‌دهد. زدودن اختلاف‌ها گامی خواهد بود برای روشن ساختن این واقعه و اعتبار بخشیدن به آن.

اختلاف متون، بیشتر در سه محور است: مکان تغییر قبله، ماه آن و نمازی که در میان آن فرمان آمد. بنابراین این نوشتار در سه بخش به سه محور مذکور می‌پردازد.

بخش اول: کدام مسجد؟

بر اساس اخبار فراوان و قابل اعتماد، ماجرای تغییر قبله و پیام جبرئیل به پیامبر اسلام ﷺ، در مسجدی در مدینه روی داد. نامیده شدن چند مسجد در این شهر به «قبلتین» در منابع تاریخی و حدیثی، سبب به اشتباه افتادن برخی شده است. با بررسی در منابع کهن، به دست می‌آید، تنها مسجدی که پشتوانه حدیثی و تاریخی قابل اعتماد دارد، مسجد بنی‌سلمه در غرب مدینه است که امروزه به «مسجد قبلتین» شناخته می‌شود. بقیه مساجدی که این نام بر آنها نهاده شده، به این دلیل است که در میان نماز، خبر به نمازگزاران رسیده و آنان به سوی کعبه گشته‌اند. این مساجد را نیز می‌توان به همین اعتبار «قبلتین» نامید. نیز مساجدی نام «قبلتین» بر آنها نهاده نشده، اما گفته‌اند که در آنها تغییر قبله صورت گرفته است. تمام این مساجد به ترتیب الفبایی، ذکر، و منابع مربوط بررسی می‌شوند.

مسجد بنی‌حارثه

نویسنده کتاب *مدینه‌شناسی*، محل تغییر قبله را - از ابن ابی حاتم از تویله بنت اسلم - در مسجد بنی‌حارثه نقل کرده است (نجفی، ۱۳۶۴ ش، ص ۱۳۰)؛ در حالی که در تفسیر ابن ابی حاتم آمده است افراد در آنجا مشغول نماز بودند که خبر تغییر قبله رسید و آنان ادامه نماز را به سوی کعبه خواندند؛ نه اینکه جبرئیل در آن مسجد بر پیامبر ﷺ وارد شد:

«جعفر بن محمود عن جدته تویلة ابنة أسلم قالت: صلّیت الظهر أو العصر فی مسجد بنی حارثة فاستقبلنا مسجد ایلیا فصلینا سجدتین ثم جاءنا من یخبرنا أن رسول الله ﷺ قد استقبل البیت الحرام، فتحول الرجال مکان النساء، والنساء مکان الرجال، فصلینا السجدتین الباقیتین مستقبلی البیت الحرام» (رازی، بی تا، ج ۱، ص ۳۷؛ ر.ک: طبرانی، بی تا، ج ۲۴، ص ۲۰۷).

در روایت دیگر هم، سخن از خبر آوردن به بنی حارثه است:
 «عباد بن نهیک الخطمی الأنصاری هو الَّذی أنذر بنی حارثة حین و جدهم یصلّون إلى بیت المقدس، وأخبرهم أن القبلة قد حوّلت، فأتموا الرکعتین الباقیتین نحو المسجد الحرام» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۸۰۶).

مسجد بنی حرام

عبدالعزیز کعکی، مسجد قبلتین و مسجد بنی حرام کبیر و مسجد بنی سلمه را یکی دانسته است. (کعکی، ۱۴۳۲ق، جزء ۴، ص ۱۲) او نه تنها مدرکی در این زمینه ارائه نکرده است، بلکه منابع تاریخی، خلاف آن را گزارش کرده اند:

«عن جابر رضی الله عنه: أن النبی ﷺ صلی فی مسجد الخربة، ومسجد القبلتین، و فی مسجد بنی حرام الذی بالقاع» (نمیری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۸).
 دوگانگی میان مسجدهای قبلتین و بنی حرام در متن مذکور مشهود است. طبق نقلی اساساً پیامبر ﷺ در مسجد بنی حرام کبیر نماز نخوانده است:

«عن حرام بن عثمان: أن النبی ﷺ لم یصل فی مسجد بنی حرام الأكبر» (نمیری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۶).

از سوی دیگر ابن زباله (م. ح ۲۰۰ق.)، محل سکونت چند طایفه از بنی سلمه را به این صورت مشخص کرده است: بنی سواد در جوار مسجد قبلتین، بنی عبید در جوار مسجد خربه و بنی حرام در جوار مسجد بنی حرام صغیر در دشت (سمهودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۴۶).

بنابراین بنی حرام در جوار مسجد قبلتین نبوده‌اند تا آن مسجد به نام آنان باشد. نمی‌توان از اینکه ابن زبالة، مسجد بنی حرام صغیر را قبلتین ندانسته، نتیجه گرفت که مسجد بنی حرام کبیر همان قبلتین است؛ همچنان که طبق نقل حرام بن عثمان، پیامبر ﷺ در مسجد بنی حرام کبیر نماز نخوانده است.

با این توضیح، می‌توان میان روایت جابر و حرام بن عثمان را به این صورت جمع کرد که مراد جابر از مسجد بنی حرام که پیامبر ﷺ در آن نماز خوانده، مسجد صغیر است؛ زیرا ابن زبالة و جابر مکان آن مسجد را در دشت نقل کرده‌اند، در حالی که مسجد بنی حرام کبیر در شعب سلع بوده است (سمهودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۴۶) و همچنین مراد حرام بن عثمان، مسجد بنی حرام کبیر است که در آن پیامبر اسلام ﷺ نماز نخوانده است.

ممکن است در مقام تضعیف روایت جابر گفته شود که پیامبر ﷺ در مساجد دیگر نیز نماز خوانده، اما قابل توضیح است که با توجه به خبر ابن زبالة، چنین به نظر می‌رسد، جابر در مقام بیان مساجد بنی سلمه است.

مسجد بنی سالم

طبق خبری، فرمان تغییر قبله در مسجد بنی سالم نازل شد:

«فلما أصبح وحضرت صلاة الظهر كان في مسجد بنی سالم قد صلی بهم الظهر ركعتین، فنزل جبرئیل ﷺ فأخذ بعضديه فحولہ إلى الكعبة» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۳).

تنها علی بن ابراهیم در تفسیرش، نماز را در مسجد بنی سالم ذکر کرده است و از آن به برخی منابع شیعی دیگر (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۱۴-۴۱۵؛ سیوری، ۱۳۴۳ش، ج ۱، ص ۷۹-۸۰) نیز راه یافته است. اما با توجه به اینکه در منابع فراوان دیگر، سخن از مسجد بنی سلمه است، ظاهراً در کتاب تفسیر القمی تصحیف رخ داده است. مسجد بنی سالم در سمت جنوب مسجد النبی قرار دارد و به آن مسجد عاتکه هم گفته‌اند (نمیری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۸).

مسجد بنی سلمه

نزول فرمان تغییر قبله بر پیامبر ﷺ در مسجد بنی سلمه، بیشترین خبرها را به خود اختصاص داده و قابل پذیرش است؛ مانند:

- «قال مجاهد: نزلت الآية ورسول الله ﷺ في مسجد بنى سلمة وقد صلى بأصحابه ركعتين من الظهر، فتحوّل في الصلّة فاستقبل الميزاب فسمي ذلك المسجد مسجد القبلتين» (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۱، ص ۲۶۲).

- «زار رسول الله ﷺ أم بشر بن البراء بن معرور في بنى سلمة فصنعت له طعاما وحانت الظهر فصلى رسول الله ﷺ بأصحابه ركعتين ثم أمر أن يوجه إلى الكعبة فاستدار إلى الكعبة واستقبل الميزاب فسمى المسجد مسجد القبلتين» (شعرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۲).

- «روى بعضهم أن رسول الله كان يصلى الظهر في مسجد بنى سلمة، فلما صلى ركعتين نزل عليه: «صرف القبلة إلى الكعبة» واستدار حتى جعل وجهه إلى الكعبة، فسمى ذلك المسجد مسجد القبلتين» (يعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۲).

با نگاه ابتدایی به روایت محمد بن جابر، تصور می شود افراد در مسجد بنی سلمه مشغول نماز بودند که خبر تغییر قبله به آنها رسید و در میان نماز به سوی کعبه روی برگرداندند؛ نه اینکه بر پیامبر ﷺ در آن مسجد آیه نازل شده باشد:

«عن محمد بن جابر قال: صرفت القبلة ونفر من بنى سلمة يصلون الظهر فى المسجد الذى يقال له: مسجد القبلتين، فأتاهم آت فأخبرهم وقد صلوا ركعتين فاستداروا حتى جعلوا وجوههم إلى الكعبة، فبذلك سمي مسجد القبلتين» (سمهودی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۴۷).

این متن، خلل دارد. در ابتدا می گوید: «قبله تغییر یافت» و در پایان هم می گوید: «به طرف قبله، رو کردند». همچنین دو بار آمده که نام مسجد قبلتین بوده است. با ملاحظه متون دیگر، به نظر می رسد پیش از «فأتاهم آت»، عبارتی افتاده است. شبیه از «فأتاهم آت» تا آخر را در روایت های مربوط به مسجد قبا می بینیم که میان نماز،

خبر تغییر قبله به آنجا رسید و آن مسجد را نیز قبلتین نامیدند. بنابراین اصل روایت چنین بوده است: در حالی قبله تغییر یافت که عده‌ای از بنی سلمه مشغول نماز ظهر در مسجد قبلتین بودند. سپس یکی از آنان خبر را برای مسجد قبا (یا مسجدی دیگر) برد؛ در حالی که نماز گزاران دو رکعت را خوانده بودند، به سوی کعبه گشتند. به همین دلیل مسجد آنان [نیز] قبلتین نامیده شد.

مسجد بنی عبدالاشهل

مسجد بنی عبدالاشهل به این دلیل قبلتین نامیده شد که خبر تغییر قبله در آن مسجد در میان نماز رسید و آنان در همان حال به سوی کعبه گشتند:

- «عن أبي بصير عن أحدهما عليه السلام : ... ان بنی عبدالاشهل أتوهم وهم فی الصلاة وقد صلوا رکعتین إلى بیت المقدس فقیل لهم: إن نبیکم قد صرف إلى الکعبة فتحول النساء مکان الرجال والرجال مکان النساء وجعلوا الرکعتین الباقیتین إلى الکعبة فصلوا صلاة واحدة إلى قبلتین فلذلک سمی مسجدهم مسجد القبلتین» (طوسی، ۱۳۶۴ ش، ج ۲، ص ۴۳-۴۴).

- «روی عن ابن عباس وأبی جعفر بن محمد بن علی: انه لما حول إلى الکعبة اتی رجل من عبد الأشهل من الأنصار وهم قیام یصلون الظهر وقد صلوا رکعتین نحو بیت المقدس، فقال: إن الله قد صرف رسوله نحو البیت الحرام، فصرفوا وجوههم نحو البیت الحرام فی بقیة صلاتهم» (طوسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۶).

- «قال رافع [بن خدیج]: فأتانا آت ونحن نصلی فی بنی عبد الأشهل فقال: إن رسول الله ﷺ قد أمر أن یوجه إلى الکعبة، قال: فأدارنا إمامنا إلى الکعبة ودرنا معه» (سمهودی، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ص ۲۷۶).

مسجد قبا

در الکشف و البیان مسجد قبا، مسجد قبلتین نامیده شده است:
«قال خلف بن یاسین الکوفی: حججت مع أبی فی زمان بنی أمیة فرأیت فی المدینة

مسجد القبلتين یعنی مسجد رسول الله ﷺ بقبا و فيه قبله بيت المقدس» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۹۶).

به مساجدی که پیامبر ﷺ در آنها نماز خوانده، «مسجد النبی» یا «مسجد رسول الله» می گفتند. در خبر بالا نیامده پیامبر در آن مسجد بود که آیه نازل شد. همچنین منافات ندارد با اینکه خبر به نماز گزاران این مسجد رسید و میان نماز روی گرداندند و به این سبب قبلتین نامیده شد؛ چنان که در خبر زیر می خوانیم:

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ بَيْنَا النَّاسُ بِقُبَاءٍ فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ إِذْ جَاءَهُمْ آتٍ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ [وَأَلِهِ] وَسَلَّمَ قَدْ أَنْزَلَ عَلَيْهِ اللَّيْلَةَ قُرْآنًا وَقَدْ أُمِرَ أَنْ يَسْتَقْبِلَ الْكَعْبَةَ فَاسْتَقْبَلُوهَا وَكَانَتْ وَجُوهُهُمْ إِلَى الشَّامِ فَاسْتَدَارُوا إِلَى الْكَعْبَةِ» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۱۳۳-۱۳۴؛ نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۶۶).

غزالی تصریح کرده است چون در مسجد قبا و در میان نماز صبح خبر آمد که قبله تغییر یافته است و مردم روی گرداندند، آنجا را «مسجد ذوالقبلتین» نامیدند:

«فَمَا رَوَى أَنَّ أَهْلَ مَسْجِدِ قُبَاءٍ كَانُوا فِي صَلَاةِ الصُّبْحِ بِالْمَدِينَةِ مُسْتَقْبِلِينَ لِبَيْتِ الْمَقْدِسِ، مُسْتَدْبِرِينَ الْكَعْبَةَ، لِأَنَّ الْمَدِينَةَ بَيْنَهُمَا، فَقِيلَ لَهُمْ: الْآنَ قَدْ حَوَّلَتِ الْقِبْلَةَ إِلَى الْكَعْبَةِ فَاسْتَدَارُوا فِي أَثْنَاءِ الصَّلَاةِ مِنْ غَيْرِ طَلَبِ دَلَالَةٍ، وَلَمْ يَنْكُرْ عَلَيْهِمْ وَسَمِيَ مَسْجِدَهُمْ ذَا الْقِبْلَتَيْنِ» (غزالی، بی تا، ج ۶، ص ۱۳۰).

مسجد النبی

ظاهر دو خبر، آن است که فرمان تغییر قبله در مسجد النبی به پیامبر اسلام ﷺ رسید یا به آن نیز مسجد قبلتین می گفته اند:

«يُقَالُ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَكْعَتَيْنِ مِنَ الظُّهْرِ فِي مَسْجِدِهِ بِالْمُسْلِمِينَ ثُمَّ أَمَرَ أَنْ يُوجَّهَ إِلَى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَاسْتَدَارَ إِلَيْهِ وَدَارَ مَعَهُ الْمُسْلِمُونَ» (شعرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۴۱).

با توجه به اینکه در گذشته به مسجدهایی که پیامبر ﷺ در آنها نماز خوانده بود «مسجد النبی» یا «مسجد رسول الله» می گفتند و به قرینه خبرهای متعدد دیگر، که از

نزول آیه در غیر از مسجدالنبی معروف حکایت دارند، مراد از «مسجده» در حدیث بالا، مسجدالنبی معروف نیست.

«حدثنا خلف بن یاسین الکوفی، قال: حججت مع أبی فی ذلك الزمان یعنی زمان بنی أمیه فمررنا بالمدينة، فرأیت مسجد القبلتین یعنی مسجد الرسول وفيه قبله بیت المقدس» (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۱۱، ص ۴۵).

به مسجد قبا به دلیل نماز خواندن پیامبر ﷺ در آن، مسجد رسول الله نیز می گفتند. سخن خلف در جای دیگر که ذیل مسجد قبا گذشت، تصریح دارد که این مسجد در منطقه قبا بوده و منظور، مسجدالنبی نیست. از اینها گذشته اگر تغییر قبله در مسجدالنبی مرکز اسلام رخ داده بود، خبر آن با روایت های متعدد نقل می شد؛ نه با دو سه روایت غیر واضح.

صدور فرمان در غیر مسجد

شاید برخی، از حدیث زیر استفاده کنند که فرمان تغییر قبله در غیر نماز بوده است:
«عن أبی سعید بن المعلی قال: كنا نغدو إلى السوق علی عهد رسول الله ﷺ فنمر فی المسجد فنصلی فیهِ فمررنا یوما والنبی ﷺ قاعدا علی المنبر فقلت: لقد حدث أمر فجلیست فقرأ النبی ﷺ: «قد نری تقلب وجهک فی السماء» حتی فرغ من الآیة فقلت لصاحبی: تعال حتی نرکع رکعتین قبل ان ینزل النبی ﷺ فنکون أول من صلی» (بخاری، بی تا، ص ۳۳-۳۴؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۲۹۱).

ظاهر روایت آن است که این سخنرانی در مسجدالنبی بوده و دیدگاه انتخابی آن است که نزول آیه در مسجد بنی سلمه رخ داده است. بنابراین می توان گفت پیامبر اسلام ﷺ در حال بیان نزول آیه ای بوده که در مسجد بنی سلمه رخ داده است.

بخش دوم: کدام ماه؟

روایات قابل توجه که ماه دستور تغییر قبله را بیان کرده اند، سه دسته اند: روایاتی که از ماه نام برده اند، روایاتی که شماره ماه بعد از هجرت را ذکر کرده اند و اخبار دو ماه قبل از جنگ بدر.

روایات دسته اول، از ماه‌های رجب (ابن إسحاق، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۷۹؛ ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۹۱)، شعبان (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۴۴۰؛ بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۱، ص ۲۴۶ و ۲۷۱) و جمادی‌الثانی (ابن جوزی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۴۷-۲۴۸. در ابن عبدالبر، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۵۵ ماه جمادی است) نام برده‌اند. اخبار ماه جمادی‌الثانی علاوه بر کم داشتن منبع و کهن نبودن، در برابر اخبار فراوان و کهن دیگر، قابل اعتنا نیستند.

خبرهای دسته سوم فراوانند (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۸۵؛ امام شافعی، بی‌تا، ص ۲۳۴) و تنها یک حدیث، آن واقعه را بعد از جنگ بدر ذکر کرده که با توجه به روایات فراوان دیگر، مورد توجه نیست. (شاذان بن جبریل، ۱۴۲۸ق، ص ۷۱)

به نظر می‌رسد تغییر قبله در ماه رجب سال دوم هجرت، و به عبارت دیگر شانزده ماه پس از هجرت، پذیرفتنی است. توضیح آنکه آمار و ارقام، هرچه بزرگ‌تر باشند، احتمال تقریبی بودن بیشتر است و هرچه کمتر باشند، احتمال آن کم می‌شود تا به صفر می‌رسد. در جمله «صد نفر آمدند» می‌توان پنج، شش نفر بالاتر یا پایین‌تر را نیز محتمل دانست اما جمله «دو نفر آمدند» را نمی‌توان تقریبی دانست.

در مورد خبرهای فراوان که از دو ماه قبل از جنگ بدر حکایت دارند، نمی‌توان تقریبی بودن را فرض کرد و یک یا سه ماه را محتمل دانست. در مورد ماه تغییر قبله، بیشتر خبرها شانزده ماه و هفده ماه پس از هجرت گفته‌اند. شانزده ماه با رجب، یعنی دو ماه پیش از بدر، مطابق است؛ چون جنگ بدر در اواسط ماه مبارک رمضان سال دوم هجرت رخ داد که دو ماه پیش از آن، رجب می‌شود و هجرت پیامبر اسلام ﷺ به مدینه و ورودش به این شهر در اواسط ماه ربیع‌الاول بوده است و ماه رجب سال دوم، شانزدهمین ماه پس از هجرت است. روایات هفده ماه، با تسامح و به صورت تقریبی قابل قبولند. اما پذیرفتن ماه‌های دیگر با دشواری روبه‌روست و بیشتر آنها ایراداتی دارند.

در ادامه، اخبار مربوط به هر کدام از ماه‌ها را نقل، و در صورت نیاز، توضیحی

ارائه می‌کنیم:

دو ماه بعد از هجرت

«عن البراء، قال: صلينا مع رسول الله ﷺ نحو بيت المقدس ثمانية عشر شهرا و صرفت القبلة إلى الكعبة بعد دخوله إلى المدينة بشهرين» (قروینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۲).

هیچ روایتی تغییر قبله در دو ماه پس از هجرت را تأیید نمی کند. براء بن عازب از انصار بود و جمع بودن «صلینا»، ظهور در نماز خواندن او و دیگر انصار، شانزده ماه پیش از هجرت در مکه دارد؛ درحالی که آنان ساکن مدینه بودند. افتادگی در این روایت روشن است. با توجه به اخبار فراوان دیگر، «قبل بدر» پیش از «بشهرین» افتاده است.

هفت ماه

«بعد مهاجرته إلى المدينة صلى إلى البيت المقدس سبعة اشهر، ثم حول الله عز وجل القبلة إلى البيت الحرام» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۶۳).

با توجه به اخبار فراوان که به تغییر قبله بیش از ده ماه تصریح دارند، ظاهراً کلمه «عشر» بعد از «سبعة» افتاده است و نیز «شهر» را به صورت «اشهر» اصلاح کرده اند.

نه و ده ماه

روایتی از انس بن مالک، انصراف از بیت المقدس را با تردید میان نه ماه یا ده ماه پس از هجرت بیان کرده است:

«عن أنس بن مالك قال: صرف رسول الله ﷺ عن بيت المقدس بعد تسعة أشهر أو عشرة» (عصفری، بی تا، ص ۳۶؛ ابن عبدالبر، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۴۵۷).

با توجه به روایات فراوان دیگر، به نظر می رسد تردید از راوی بعد از انس است. او تردید دارد که آیا انس بعد از «تسعة» کلمه «اشهر» را گفت یا کلمه «عشر»؛ یعنی تردید راوی میان نه ماه و نوزده ماه است. اما رونویسان با توجه به ذهنیتشان «عشر» را به «عشرة» تغییر داده اند؛ هرچند با تسامح گاهی «تسعة عشرة» نیز گفته می شود. نه ماه، مسلماً اشتباه است و با توجه به تصحیف فراوان میان «تسع» و «سبع»، می توان ترجیح داد که اصل حدیث «سبعة» بوده که در این صورت با اخبار پذیرفته شده دیگر، هماهنگ است.

روایت انس با الفاظ مشابه دیگر نیز نقل شده است که می‌تواند در اثر برداشت‌هایی شخصی، نقل به معنا شده باشد (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴).

افتادگی در نقلی دیگر، که سخن از ده ماه است، روشن است:

«قال ابن إسحاق: ولما صرف القبلة عن الشام إلى الكعبة وصرفت في رجب على

رأس عشر شهراً من مقدم رسول الله ﷺ المدينة» (ابن هشام، ۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۹۱).

پیامبر ﷺ در ماه ربیع الاول وارد مدینه شد و تا رجب سال اول، چهار ماه است که چنین چیزی را هیچ نقل تاریخی تأیید نمی‌کند و تا رجب سال دوم، شانزده ماه است. پس «سته» پیش از «عشر» افتاده است. در نقل دیگر از ابن اسحاق، ماه رجب و هفده ماه پس از هجرت آمده است. (عصفری، بی‌تا، ص ۳۶؛ ابن عبدالبر، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۴۵۷)

از این گذشته، اگر افتادگی نبود و مراد ده ماه بود، عبارت صحیح «عشرة اشهر» است.

دوازده ماه

«عن ابن شهاب أن عبد الرحمن بن كعب بن مالك أخبره أن رسول الله ﷺ لما قدم

المدينة مهاجراً صلى نحو بيت المقدس اثني عشر شهراً» (ابن عبدالبر، ۳۸۷ق، ج ۸، ص ۴۹).

یک خبر در برابر خبرهای فراوان دیگر، قابل اعتنا نیست. گذشته از آنکه منبع آن نیز کهن نیست.

سیزده ماه

سیزده ماه، تنها از معاذ بن جبل نقل شده است:

«عن معاذ بن جبل: أن رسول الله ﷺ قدم المدينة، فصلى نحو بيت المقدس ثلاثة

عشر شهراً» (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۳).

از معاذ بن جبل در منابع متعدد، شانزده و هفده ماه پس از هجرت نیز نقل شده است (عبارت روایت در ادامه می‌آید) و نیز با توجه به نقل‌های دیگر، این دو ماه ترجیح دارد. مکرر در اخبار مربوط به تغییر قبله آمده است که پیامبر ﷺ پیش از

هجرت، یعنی در زمان حضور در مکه، سیزده سال در آنجا به سوی بیت المقدس نماز خواند. چه بسا عبارت حدیث بالا در واقع «و صلی» بوده؛ اما واو حالیه به فاء، و نیز «سنة» به «شهرأ» تغییر یافته است؛ به این معنا: پیامبر اسلام ﷺ وارد مدینه شد؛ در حالی که سیزده سال به سوی بیت المقدس نماز خوانده بود. احتمال قوی تر آنکه روایت بالا، قسمتی از حدیثی دیگر است که کامل تر آن، چنین است:

«عن معاذ بن جبل، قال: أحيلت الصلاة ثلاثة أحوال، وأحيل الصيام ثلاثة أحوال... الحال الثالث أن رسول الله ﷺ قدم المدينة فصلى - یعنی نحو بیت المقدس - ثلاثة عشر شهراً» (سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۲۴).

این روایت در منابع متعدد دیگر، «سبعة عشر شهراً» است. یک مورد در قسمت هفده ماه خواهد آمد. پس منشأ سیزده ماه، تصحیف است.

شانزده ماه

خبرها در مورد رخداد تغییر قبله در شانزدهمین ماه پس از هجرت فراوان است و این تاریخ ترجیح دارد؛ مانند:

- «عن معاذ بن جبل قال: صلى رسول الله ﷺ بعد أن قدم المدينة إلى بيت المقدس ستة عشر شهراً» (طبرانی، بی تا، ج ۲۰، ص ۱۱۲؛ عصفری، بی تا، ص ۳۵).

- «عن قتادة: صلى نبي الله ﷺ بعد قدومه المدينة مهاجراً نحو بيت المقدس ستة عشر شهراً» (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۹؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵).

- «عن سعيد بن المسيب، أنه قال: صلى رسول الله ﷺ بعد أن قدم المدينة، ستة عشر شهراً، نحو بيت المقدس ثم حولت القبلة قبل بدر بشهرين» (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۹۶؛ شافعی، بی تا، ص ۲۳۴).

- «عن البراء بن عازب قال: قدم رسول الله ﷺ المدينة فصلى نحو بيت المقدس ستة عشر شهراً ثم إنه وجه إلى الكعبة» (نسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۱، ص ۲۴۳؛ ر.ک: طيالسی، بی تا، ص ۹۸).

هفده ماه

روایت‌های متعدد نیز از هفده ماه سخن گفته‌اند که به جهت پرهیز از اطاله مقال، به نقل چند مورد بسنده می‌کنیم:

«عن معاذ بن جبل قال: أحيلت الصلاة ثلاثة أحوال وأحيل الصوم ثلاثة أحوال فأما أحوال الصلاة فان رسول الله ﷺ قدم المدينة فصلى نحو بيت المقدس سبعة عشر شهرا» (ابن اسحاق، بی تا، ج ۵، ص ۲۷۷؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ۵، ص ۲۴۶).
از معاذ، خبر سیزده و شانزده ماه گذشت. بی اعتباری روایت سیزده ماه گفته شد و بعید نیست معاذ شانزده و هفده ماه، هر دو را گفته باشد که اولی را دقیق، و دومی را تقریبی گفته است.

«عن قتادة، قال: صلى نبي الله ﷺ بعد قدومه المدينة مهاجراً نحو بيت المقدس سبعة عشر شهراً» (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۸).
روایتی دیگر از قتاده با همین عبارت در قسمت شانزده ماه گذشت که در آن، شانزده ماه آمده است.

«عن سعيد بن المسيب أنه كان يقول: صلى رسول الله ﷺ بعد أن قدم المدينة سبعة عشر شهرا نحو بيت المقدس ثم حولت إلى الكعبة قبل بدر بشهرين» (بيهقي، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۷۵).

تنافی در این حدیث، آشکار است؛ زیرا دو ماه پیش از هجرت، ماه رجب است و آن، شانزدهمین ماه پس از هجرت است. عین حدیث بالا از منابع کهن تر در قسمت شانزده ماه گذشت که در آن به جای «سبعة عشر»، «سته عشر» آمده است.

«عن سفیان حدثنی أبو إسحق قال: سمعت البراء قال: صلينا مع رسول الله ﷺ نحو بيت المقدس ستة عشر شهرا أو سبعة عشر شهرا. شك سفیان» (احمد بن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۲۸۹؛ نسائی، ۱۳۴۸ق، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۳).

بعید است تردید از سوی سفیان باشد؛ چون در سند بعضی از این نقل‌های با تردید، سفیان نیست. این تردید می‌تواند از خود براء باشد. معادل فارسی آن نیز چنین است: شانزده، هفده ماه بعد از هجرت.

«عن ابن إسحاق قال: صرفت القبلة في رجب بعد سبعة عشر شهرا بعد قدومه»

(عصفری، بی تا، ص ۳۶؛ ابن عبدالبر، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۴۵۷).

در برخی روایات - مثل روایت ابن اسحاق - علاوه بر سخن از هفدهمین ماه، به ماه رجب هم تصریح کرده‌اند؛ درحالی که ماه رجب شانزدهمین ماه است. این، حکایت از تقریبی بودن هفده ماه دارد و آنها که از ماه شعبان نام برده‌اند، ممکن است از روی هفده ماه، شعبان را حدس زده‌اند؛ درحالی که هفده ماه، تقریبی است و از آن، ماه شعبان به دست نمی‌آید.

هیجده ماه

«عن ابن المسيب: صلوا بمكة وبعثوا قدموا المدينة ستة عشر شهرا نحو بيت المقدس.

قال معمر: وقال الزهري: ثمانية عشر شهرا» (صنعانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۶).

از زهری، شانزده ماه نیز نقل شده است (بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۵۷۴) و اعتبار این تاریخ، نقل هیجده ما از قول او را تضعیف می‌کند.

«قال ابن إسحاق: صرفت القبلة في شعبان على رأس ثمانية عشر شهرا من مقدم

رسول الله ﷺ المدينة» (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۴۴۰؛ طبری، ۱۴۰۳ق،

ج ۲، ص ۱۲۸).

در این روایت، تنافی وجود دارد؛ زیرا شعبان، هفدهمین ماه پس از هجرت است؛ نه هجدهمین. گذشت که نقل دیگر از ابن اسحاق، ماه رجب و هفده ماه پس از هجرت است. ماه رجب نیز شانزدهمین ماه است؛ اما این نقل به واقع نزدیک‌تر است و گفتیم که نقل‌های هفده ماه می‌تواند تقریبی باشد.

«عن البراء، قال: صلينا مع رسول الله ﷺ نحو بيت المقدس ثمانية عشر شهرا و صرفت

القبلة إلى الكعبة بعد دخوله إلى المدينة بشهرين» (قزوینی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۲).

در بررسی دو ماه، گذشت که «قبل بدر» پیش از «بشهرین» افتاده است و در اصل چنین بوده که هجده ماه بعد از هجرت و دو ماه قبل از بدر، قبله تغییر یافته است. اما در بررسی شانزده ماه، از براء گذشت که این ماجرا در ماه شانزدهم صورت گرفته

است و این تاریخ، پذیرفته است. هفده ماه نیز از براء نقل شده که می تواند تقریبی باشد. (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶؛ ر.ک: طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴)

«ذلک (صرف الله عز وجل قبله المسلمین من الشأم إلى الکعبة) فی السنة الثانية من مقدم النبی ﷺ المدينة فی شعبان واختلف السلف من العلماء فی الوقت الذی صرفت فیہ من هذه السنة فقال بعضهم وهم الجمهور الأعظم: صرفت فی النصف من شعبان علی رأس ثمانية عشر- شهرا من مقدم رسول الله ﷺ المدينة» (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۲۸).

چنین جمهور اعظمی را سراغ نداریم و بعید است جمهور اعظم چنین خطایی کند که ماه شعبان را هجدهمین ماه پس از هجرت بپندارد. شاید منشأ خطا در هجدهمین ماه تغییر قبله آن است که به جای شمارش از ربیع الاول (سال ورود پیامبر ﷺ به مدینه) از ابتدای سال قمری، یعنی از محرم، شمارش کرده اند.

بعد از جنگ بدر

«قال معاوية بن عمار: قلت لأبي عبد الله عليه السلام: متى صرف رسول الله ﷺ إلى الکعبة؟ قال: بعد رجوعه من بدر، وكان یصلی فی المدينة إلى بیت المقدس سبعة عشر شهرا، ثم أُعيد إلى الکعبة» (شاذان بن جبرئیل، ۱۴۲۸ق، ص ۷۱).

در این روایت تنافی به چشم می خورد؛ چراکه جنگ بدر در هجدهمین ماه پس از ورود پیامبر ﷺ به مدینه رخ داد.

نوزده ماه

«صلی رسول الله ﷺ إلى البیت المقدس بعد النبوة ثلاث عشرة سنة بمكة وتسعة عشر شهرا بالمدينة» (صدوق، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۶).

به دلیل شباهت «سبع» و «تسع»، تصحیف هر کدام به دیگری فراوان اتفاق می افتد. با توجه به خبرهای دیگر، عبارت، «سبعة عشر» بوده است؛ چراکه پذیرفتن «تسعة عشر»، به معنای تغییر قبله در بعد از جنگ بدر است و این با اخبار فراوان دیگر منافات دارد.

دو سال

«عن أشعث عن الحسن قال: صلى رسول الله ﷺ ستين نحو بيت المقدس ثم أمرنا بالقبلة» (عصفري، بی تا، ص ۳۶؛ ابن عبدالبر، ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۴۵۷).

طبق خبرهای فراوان، واقعه تغییر قبله در سال دوم روی داد؛ اما به اشتباه، به جای «سال دوم»، «دو سال» گفته شده است. راوی روایت، حسن بصری است. او هفده ماه نیز نقل شده است. (طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷)

بخش سوم: کدام نماز؟

بنا به روایات فراوان و قابل اعتماد، فرمان تغییر قبله، در حین یکی از نمازهای یومیه به پیامبر اسلام ﷺ رسید و حضرت با مأمومان، به سوی کعبه روی گرداندند. نام تمام نمازهای یومیه در اخبار دیده می شود. در میان نمازهای مذکور، نماز ظهر، قابل اعتماد است و نقل های دیگر قابل رد یا قابل توجیه اند؛ به گونه ای که نمی توانند در برابر خبرهای نماز ظهر، قابل پذیرش باشند. در ادامه، اخبار مربوط به یک نمازها، و در انتها ادعای نزول فرمان در خارج از نماز، نقل و بررسی می شود.

نماز صبح

ابن ابی شیبه و ترمذی پس از بیان ماجرای تغییر قبله نوشته اند:
«عن عبدالله بن دینار عن ابن عمر قال: كانوا ركوعا في صلاة الصبح» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۷۰؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۱۴).

خواننده تصور می کند پیامبر ﷺ در حال اقامه نماز صبح بود که آیه تغییر قبله بر او نازل شد. اما بخاری و مسلم نیز روایت عبدالله بن دینار از ابن عمر را نقل کرده اند که درباره مسجد قباست. نماز گزاران در این مسجد در حال برگزاری نماز صبح بودند که خبر تغییر قبله رسید و آنان به سمت کعبه روی گرداندند. این روایت ربطی به نماز پیامبر ﷺ ندارد. متن آن در بررسی روایات مسجد قبا گذشت.

شیهه روش ابن ابی شیهه و ترمذی را از ابن شهر آشوب می‌بینیم. او نیز با نقل قسمتی از حدیث انس در کنار روایتی در مورد تغییر قبله، خواننده را به اشتباه می‌اندازد:

«سئل الصادق عليه السلام: متى حولت القبلة؟ قال: بعد رجوعه من بدر. قال أنس: وهم

ركوع في صلاة الصبح فاستداروا» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۱۵۲).

خبر کامل انس آن است که شخصی از بنی سلمه که شاهد تغییر قبله بود، گذارش به عده‌ای می‌افتد که در حال خواندن نماز صبح بودند. او به آنها خبر تغییر قبله را می‌دهد و آنها هم به سوی کعبه روی می‌گردانند:

«عن أنس بن مالك: أن رسول الله صلى الله عليه وآله كان يصلي نحو بيت المقدس فنزلت: «قد نرى

تقلب وجهك في السماء فلنولينك قبلة ترضاها فول وجهك شطر المسجد الحرام»

فمر رجل من بني سلمة يقوم وهم ركوع في صلاة الفجر وقد صلوا ركعة فنأدى ألا

إن القبلة قد حولت إلى الكعبة فمالوا إلى الكعبة» (شعرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۴۲).

چند گروه در میان نماز، خبر تغییر قبله به آنها رسید؛ اما با توجه به اینکه در خبر

انس، سخن از نماز صبح است، ظاهراً انس مربوط به مسجد قباست؛ زیرا طبق اخبار

دیگر، نماز گزاران در مسجد قبا در حال نماز صبح بودند که خبر تغییر قبله را برایشان

آوردند. (ر.ک: بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۱۳۳-۱۳۴؛ نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۶۶)

انس در روایتی دیگر - که ذیل نماز ظهر می‌آید - تصریح می‌کند که پیامبر صلى الله عليه وآله

در نماز ظهر بود که قبله تغییر یافت؛ نه صبح.

چه بسا همین تقطیع‌ها و کنار هم گذاشتن‌های غیر فنی، سبب شده برخی قائل

شوند که نزول آیه، هنگام برگزاری نماز صبح بوده است. (ر.ک: بلاذری، ۱۹۵۹م، ج ۱،

ص ۲۷۲؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۷۹)

قرطبی، بدون نقل عبارت حدیث، از روایت مالک به تغییر قبله در نماز صبح خبر داده

است. (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۴۸) ظاهراً مراد، امام مالک است. اما او تغییر قبله در مسجد

قبا را نقل کرده است که هنگام برپایی نماز صبح خبر به نماز گزاران رسید (ر.ک: مالک بن

انس، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۹۵)؛ نه اینکه نزول آیه بر پیامبر صلى الله عليه وآله در هنگام نماز صبح بوده است.

نماز ظهر

خبرها در مورد نزول فرمان در میان نماز ظهر، هم از نظر تعداد بیشترند و هم قابل خدشه نیستند؛ مانند:

- «عن أبي جعفر عليه السلام: ان رسول الله ﷺ لما قدم المدينة وهو يصلى نحو بيت المقدس أعجب اليهود من ذلك فلما صرّفه الله عن بيت المقدس إلى بيت الحرام وجدت وكان صرف القبلة صلاة الظهر» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۵).

- «عن أنس بن مالك قال: صرف رسول الله ﷺ عن بيت المقدس بعد تسعة أشهر أو عشرة بينا هو يصلى الظهر بالمدينة صلى ركعتين نحو بيت المقدس انصرف بوجهه إلى الكعبة» (عصفری، بی تا، ص ۳۶؛ ر.ک: طبری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۷۶).

- «مجاهد وغيره: نزلت هذه الآية ورسول الله ﷺ في مسجد بنى سلمة، وقد صلى بأصحابه ركعتين من صلاة الظهر فتحوّل في الصلاة» (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۲).

- «يقال: صلى رسول الله ﷺ ركعتين من الظهر في مسجده بالمسلمين ثم أمر أن يوجه إلى المسجد الحرام فاستدار إليه ودار معه المسلمون. ويقال: بل زار رسول الله ﷺ أم بشر بن البراء بن معرور في بنى سلمة فصنعت له طعاما وحانت الظهر فصلى رسول الله ﷺ بأصحابه ركعتين ثم أمر أن يوجه إلى الكعبة فاستدار إلى الكعبة» (شعرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۲۴۱-۲۴۲).

- «روى بعضهم أن رسول الله كان يصلى الظهر في مسجد بنى سلمة، فلما صلى ركعتين نزل عليه: صرف القبلة إلى الكعبة» (يعقوبی، بی تا، ج ۲، ص ۴۲).

نماز عصر

نقلها در مورد نزول وحی در نماز عصر، اندک است. روایت براء بن عازب ایراداتی دارد که در ادامه می آوریم. همچنین یک حدیث از امام باقر عليه السلام را نمی توان بر حدیث های متعدد دیگر ترجیح داد:

- «عن جعفر رضي الله عنه، عن أبيه رضي الله عنه: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم استقبل بيت المقدس سبعة عشر شهرا، ثم صرف إلى الكعبة وهو في صلاة العصر» (حميري، ١٤١٣ق، ص ١٤٨).

- «عن البراء: انه صلى قبل بيت المقدس ستة عشر شهرا أو سبعة عشر شهرا وكان يعجبه أن تكون قبلته قبل البيت وانه صلى أول صلاة صلاها صلاة العصر وصلى معه قوم فخرج رجل ممن صلى معه فمر على أهل مسجد وهم راكعون فقال: اشهد بالله لقد صليت مع رسول الله صلى الله عليه وسلم قبل مكة فداروا كما هم قبل البيت» (بخاری، ١٤٠١ق، ج ١، ص ١٥؛ احمد بن حنبل، بی تا، ج ٤، ص ٢٨٣).

- «عن البراء: أنه صلى قبل بيت المقدس ستة عشر شهرا، وكان يعجبه أن تكون قبلته قبل البيت، وأنه صلى صلاة العصر ومعه قوم. فخرج رجل ممن صلى معه، فمر على أهل المسجد وهم ركوع» (طبری، ١٤١٥ق، ج ٢، ص ٦).

- «عن البراء رضی الله عنه ان النبی صلى الله عليه وسلم صلى إلى بيت المقدس ستة عشر شهرا أو سبعة عشر شهرا وكان يعجبه أن تكون قبلته قبل البيت وانه صلى أو صلاها صلاة العصر وصلى معه قوم فخرج رجل ممن كان صلى معه فمر على أهل المسجد وهم راكعون...» (بخاری، ١٤٠١ق، ج ٥، ص ١٥٠-١٥١؛ شعرانی، ١٤٢٦ق، ج ١، ص ٢٤٢).

در مورد حدیث براء چند نکته قابل توجه است:

الف) این حدیث با صراحت از نمازی که در میان آن، تغییر قبله صورت گرفت، سخن نمی گوید.

ب) در حدیث اول، براء می گوید: «اول صلاة صلاها صلاة العصر» ظاهراً منظور این است که اولین نماز کامل به سوی کعبه، نماز عصر بوده و نماز ظهر را که در میان آن، تغییر قبله صورت گرفته، به حساب نیاورده است.

ج) به هم ریختگی عبارتی که در بند «ب» آوردیم، در روایت سوم براء مشهود است. د) روایت براء با الفاظ مختلف نقل شده است. تنها حدیث اول، اولین نماز پیامبر صلى الله عليه وسلم به سوی قبله را نماز عصر گفته است. اما در عبارت زیر آمده که

وقتی حضرت نماز عصر را خواند، مأومی خبر را برای دیگران برد. لذا از آن استفاده نمی شود که قبله در میان نماز عصر تغییر یافته است:

«عن البراء قال: ... فوجه نحو الكعبة وصلى معه رجل العصر ثم خرج فمر على قوم من الأنصار فقال: هو يشهد انه صلى مع النبي ﷺ وانه قد وجه إلى الكعبة فانحرفوا وهم ركوع في صلاة العصر» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۸، ص ۱۳۴؛ ر.ك: احمد بن حنبل، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۴).

با توجه به روایات دیگر، بعید نیست اولین «العصر» در این حدیث، «الظهر» بوده باشد؛ چون غالباً شخص نمی توانسته پس از نماز عصر، فوری خود را به منطقه ای دیگر در حین نماز عصر برساند. قرینه دیگر آن است که در نقل های متعدد دیگر، نیامده که شخص کدام نماز را با پیامبر خواند. لذا نزدیک تر به واقع، آن است که نماز ظهر را با حضرت خواند و چند ساعت بعد به وسیله او خبر به نماز گزارانی دیگر رسید:

«عن البراء بن عازب: ... فصلى مع النبي ﷺ رجل ثم خرج بعدما صلى فمر على قوم من الأنصار في صلاة العصر نحو بيت المقدس فقال: هو يشهد انه صلى مع رسول الله ﷺ وانه توجه نحو الكعبة فتحرف القوم حتى توجهوا نحو الكعبة» (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۰۴؛ ر.ك: شعرانی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۳۶۷).

در روایتی با همین مضمون، تصریح شده نمازی که آن شخص با پیامبر خوانده، نماز ظهر بوده است:

«صرفت القبلة إلى الكعبة في الظهر يوم الثلاثاء للنصف من شعبان فكانت صلاته نحو بيت المقدس بعد قدومه المدينة سبعة عشر شهرا وثلاثة أيام فخرج رجل بعد ما صلى فمر على قوم من الأنصار وهم ركوع في صلاة العصر نحو بيت المقدس فقال: هو يشهد أنه صلى مع رسول الله ﷺ وأنه قد وجه إلى الكعبة فانحرف القوم حتى توجهوا إلى الكعبة» (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲).

نماز مغرب یا عشا

در مورد اینکه قبله در میان نماز مغرب یا عشا تغییر یافته است، به یک روایت برخوردیم:

«عن عمارة بن روية قال: كنا مع رسول الله ﷺ في إحدى صلاتي العشاء حين صرفت القبلة فدار النبي ﷺ ودرنا معه في ركعتين» (هيشمی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۳).

گذشته از کهن بودن منبع حدیث، در این روایت - در جای دیگر - به جای «العشاء»، «العشی» آمده است (عسقلانی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۲) که به قرینه روایت های متعدد دیگر، «العشی» ترجیح دارد. «احدی صلاتی العشی» به معنای یکی از دو نماز ظهر و عصر است. در لسان العرب آمده است:

«قال الأزهری: وصلاتا العشی هما الظُّهْر والعَصْرُ وفي حدیث أبي هريرة، رضی الله عنه: صلی بنا رسول الله ﷺ إحدى صلاتی العشی، وأكبرُ ظنِّي أنها العَصْرُ وساقه ابن الأثير فقال: صلی بنا إحدى صلاتی العشی فسَلَّم من اثنتین، يريدُ صلاةَ الظُّهْر أو العَصْر.

وقال الأزهری: يقع العشی على ما بين زوالِ الشمسِ إلى وقتِ غروبها، كل ذلك عَشِي، فإذا غابتِ الشمسُ فهو العِشاءُ، وقيل: العِشي من زوالِ الشمسِ إلى الصَّباح» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۵، ص ۶۰).

پس «عشی»، به معنای زمان بین ظهر تا غروب است و نمی تواند به معنای زمان بین ظهر تا صبح باشد؛ زیرا در این وقت، بیشتر از دو نماز، واجب است و در حدیث، سخن از دو نماز در این زمان است.

در غیر نماز

قائل رسیدن دستور در خارج از نماز را نیافتیم:

- «قال مجاهد وغيره: نزلت هذه الآية ورسول الله ﷺ في مسجد بنی سلمة وقد صلی بأصحابه ركعتين من صلاة الظهر... وقيل: كان التحويل خارج الصلاة بين الصلاتين» (بغوی، بی تا، ج ۱، ص ۱۲۵).

- «وقيل: إن الآية نزلت في غير صلاة، وهو الأكثر. وكان أول صلاة إلى الكعبة العصر» (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۱۴۹).

چگونه اکثریت قائل به نزول آیه در غیر نمازند، درحالی که قائل آن معلوم نیست و منبع چندانی ندارد؟!

- عن أبي سعيد بن المعلى قال: كنا نغذو على عهد رسول الله ﷺ فنمر بالمسجد فنصلى فيه فممرنا يوما ورسول الله ﷺ قاعد على المنبر فقال: لقد حدث اليوم أمر عظيم فدنوت من النبي ﷺ فتلا هذه الآية «قد نرى تقلب وجهك في السماء» حتى فرغ من الآية و الى جنبى صاحب لى فقلت لصاحبى: اركع ركعتين فقال: نظر ما يصنع فنزل رسول الله ﷺ فصلى للناس يومئذ الظهر إلى الكعبة. (هيثمى، ۱۴۰۸ق، ج ۲، صص ۱۳-۱۲).

طبق این حدیث، آیه پیش از ظهر همان روز نازل شده است. پس دستور تغییر قبله در غیر نماز یا میان نماز صبح صادر شده است. از آنجا که گفتیم خبرهای نماز صبح قابل اعتماد نیست، پس صدور در غیر نماز باقی می ماند. اما این حدیث در منابع کهن به جای عبارت «فقال: لقد حدث اليوم امر عظیم»، «فقلت: لقد حدث أمر» (بخاری، بی تا، ص ۳۴؛ طبرانی، بی تا، ج ۲۲، ص ۳۰۴) آمده است. پس معلوم نیست چند روز قبل، دستور آمده؛ چه بسا آیه در روز قبل یا روزهای قبل، و در میان نماز ظهر نازل شده و حضرت در حال بیان ماجراست.

نتیجه گیری

با بررسی و تحلیل مجموع اخبار رسیده در مورد تغییر قبله، به دست می آید مسجدی که پیامبر اسلام ﷺ در آن مشغول نماز جماعت بود و در میان آن دستور تغییر قبله نازل شد و حضرت با مأمومان از بیت المقدس به سوی کعبه روی گرداندند، مسجد بنی سلمه بوده است؛ همان مسجدی که امروزه در حدود چهار کیلومتری شمال غرب مسجدالنبی ﷺ واقع است. مساجد دیگر که «قبلتین» نامیده شده اند، به این اعتبار است که در میان نماز، خبر تغییر قبله به نمازگزاران رسیده و آنان در آن هنگام، روی به سوی کعبه گرداندند. از این رو می توانیم مسجد بنی سلمه را مسجد قبلتین اصلی، و بقیه مساجدی را که در آنها تغییر قبله رخ داده است، مساجد قبلتین غیر اصلی بخوانیم.

این ماجرا در ماه رجب سال دوم هجرت، و به عبارت دیگر شانزده ماه پس از هجرت رخ داد. عدد هفده ماه در نقل برخی راویان، تقریبی است و بعید نیست آنان که ماه آن را شعبان ذکر کرده‌اند، از هفده ماه اتخاذ کرده‌اند؛ درحالی که این عدد تقریبی است. همچنین از میان اخبار رسیده در مورد نمازی که در میان آن، دستور تغییر قبله نازل شد، خبرهای مربوط به نماز ظهر، قابل اعتماد است.

منابع

۱. ابن ابی شیبہ (۱۴۰۹ق)، المصنف، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
۲. ابن اسحاق (بی تا)، سیرة ابن إسحاق، بی جا، معهد الدراسات و الأبحاث للتعريف.
۳. ابن جوزی (۱۴۱۸ق)، کشف المشکل من حدیث الصحیحین، ریاض، دارالوطن، چاپ اول.
۴. ابن حبان (۱۳۹۳ق)، الثقات، حیدرآباد، هند، مؤسسة الکتب الثقافیة، چاپ اول.
۵. ابن شهر آشوب (۱۳۷۶ق)، مناقب آل ابی طالب، نجف، المکتبة الحیدریة.
۶. ابن عبدالبر (۱۳۸۷ق)، التمهید، بی جا، وزارة عموم الأوقاف و الشؤون الإسلامية.
۷. ابن عبدالبر (۱۴۱۲ق)، الاستیعاب، بیروت، دارالجیل، چاپ اول.
۸. ابن عبدالبر (۲۰۰۰م)، الاستذکار، بی جا، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۹. ابن منظور (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه.
۱۰. ابن هشام (۱۳۸۳ق)، السیرة النبویة، مصر، مکتبة محمد علی صیح و اولاده.
۱۱. احمد بن حنبل (بی تا)، مسند الامام أحمد بن حنبل، بیروت، دارصادر.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح البخاری، بی جا، دارالفکر.
۱۳. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، الکنی جزء من التاریخ الکبیر، ترکیه، المکتبة الاسلامیة.
۱۴. بغوی (بی تا)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، بی جا، دارالمعرفة.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۵۹م)، انساب الأشراف، مصر، معهد المخطوطات بجامعة الدول العربیة و دار المعارف.
۱۶. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۰۵ق)، دلائل النبوة و معرفة أحوال صاحب الشریعة، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول.

۱۷. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق)، سنن الترمذی، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم.
۱۸. ثعلبی (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۹. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق)، قرب الاسناد، قم، آل البیت (ع)، چاپ اول.
۲۰. رازی، ابن ابی حاتم (بی تا)، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن ابی حاتم)، بی جا، دارالفکر.
۲۱. سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۰ق)، سنن ابی داود، بی جا، دارالفکر، چاپ اول.
۲۲. سمهودی، علی بن أحمد (۱۴۲۶ق)، وفاء الوفا بأخبار دارالمصطفی، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۲۳. سیوری، مقداد بن عبدالله (۱۳۴۳ش)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، المكتبة الرضویه.
۲۴. سیوطی، جلال الدین (بی تا)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، لبنان، دارالمعرفه.
۲۵. شاذان بن جبرئیل قمی (۱۴۲۸ق)، إزاحة العلة فی معرفة القبلة، قم، مرکز الحقائق الإسلامیه، چاپ اول.
۲۶. شافعی، محمد بن ادريس (بی تا)، المسند، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۷. شعرانی، عبدالوهاب بن احمد (۱۴۲۶ق)، الطبقات الکبری، قاهره، مكتبة الثقافة الدینیة، چاپ اول.
۲۸. صدوق، محمد بن علی (بی تا)، کتاب من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ دوم.
۲۹. صنعانی، عبدالرزاق (۱۴۱۰ق)، تفسیر القرآن، عربستان، مكتبة الرشد، چاپ اول.
۳۰. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، التفسیر الکبیر (تفسیر القرآن العظیم)، اردن، دارالکتاب الثقافی، چاپ اول.
۳۱. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الکبیر، بی جا، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، مجمع البیان، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چاپ اول.
۳۳. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳ق)، تاریخ الطبری، لبنان، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ چهارم.
۳۴. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۵ق)، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دارالفکر.

٣٥. طوسی، محمد بن حسن (١٣٦٤ش)، تهذیب الأحكام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
٣٦. طوسی، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، اول.
٣٧. طیالسی، سلیمان بن داود (بی تا)، مسند ابی داود الطیالسی، بیروت، دارالمعرفه.
٣٨. عسقلانی، ابن حجر (بی تا)، فتح الباری، بیروت، دارالمعرفه.
٣٩. عصفری، خلیفه بن خیاط (بی تا)، تاریخ خلیفه بن خیاط، بیروت، دارالفکر.
٤٠. غزالی، ابو حامد (بی تا)، إحياء علوم الدين، بیروت، دارالکتب العربی.
٤١. قرطبی، محمد بن احمد (١٤٠٥ق)، الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٤٢. قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، بی جا، دارالفکر.
٤٣. قمی، علی بن ابراهیم (١٤٠٤ق)، تفسیرالقمی، قم، دارالکتب، چاپ سوم.
٤٤. کعکی، عبدالعزیز بن عبدالرحمان (١٤٣٢ق)، معالم المدينة المنورة بین العمارة و التاريخ، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، چاپ اول.
٤٥. مالک بن انس (١٤٠٦ق)، الموطأ، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
٤٦. مقاتل بن سلیمان (١٤٢٤ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بی جا، دارالکتب العلمیه.
٤٧. مقریزی (١٤٢٠ق)، إمتاع الأسماع، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
٤٨. نجفی، محمدباقر (١٣٦٤ش)، مدینه شناسی، تهران، شرکت قلم، چاپ اول.
٤٩. نسائی، احمد بن شعیب (١٣٤٨ق)، سنن النسائی، بیروت، دارالفکر، چاپ اول.
٥٠. نسائی، احمد بن شعیب (١٤١١ق)، السنن الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
٥١. نمیری، ابن شبه (١٤١٠ق / ١٣٦٨ش)، تاریخ المدینة، قم، دارالفکر.
٥٢. نیشابوری، مسلم (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
٥٣. هیشمی، علی بن ابی بکر (١٤٠٨ق)، مجمع الزوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
٥٤. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دارصادر.